



Paper Type: Original Article



Designing a Model for Financial Agility of Supply Chain Process

Reza Khlilzade¹, Parviz Saeidi^{1*} , Arash Naderian¹, Iebrhim Abbasie²

¹ Department of Accounting, Aliabad Katoul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran; reza.khlilzade@yahoo.com; dr.parvizsaeedi@yahoo.com; arashnaderian@yahoo.com.

² Department of Accounting and Finance, Alzahra University, Tehran, Iran; abbasiebrahim2000@alzahra.ac.ir.

Citation:



Khlilzade, R., Saeidi, P., Naderian, A., & Abbasie, I. (2021). Designing a model for financial agility of supply chain process. *Journal of decisions and operations research*, 6 (3), 445-463.

Received: 20/07/2020

Reviewed: 07/09/2021

Revised: 09/10/2020

Accept: 03/01/2021

Abstract


Purpose: The aim of this study was to design the financial agility model of the supply chain process in companies.


Methodology: The research method is descriptive and applied. In terms of orientation, it is fundamental and in terms of purpose, it is exploratory-qualitative. The research population included: academic and industrial experts and the sample was selected based on the snowball sampling method. Data collection instruments were semi-structured interviews with industrial managers and academic experts. In the data analysis, first, the codes and components of financial agility were extracted from the interviews and formulated in the form of a conceptual Grounded theory model.

Findings: The core category was the financial agility, which was presented in three dimensions, and the causal, contextual, and intervening conditions, and strategies and results, were formulated and then, the final model was designed. Afterwards, the model was validated by using the Delphi model. According to the results of this study, the main categories of the developed model included intra-organizational, technological and human factors.

Originality/Value: Therefore, based on the proposed model of this research can be the expected consequences of the financial agility model in business companies can be understood.

Keywords: Supply chain process, Financial agility, Grounded theory.

 Corresponding Author: dr.parvizsaeedi@yahoo.com


 10.22105/dmor.2021.240415.1189



Licensee. **Journal of Decisions and Operations Research**. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).



طراحی الگوی چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین

رضا خلیل زاده^۱، پرویز سعیدی^۱ , آرش نادریان^۱، ابراهیم عباسی^۲
گروه حسابداری، واحد علی‌آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آبادکتول، ایران.
^۲ گروه حسابداری و مالی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها با رویکرد نظریه برخواسته از داده‌ها انجام شده است.

روش‌شناسی پژوهش: روش پژوهش توصیفی-کاربردی، از نظر جهت‌گیری از نوع بنیادی و از نظر هدف پژوهش از نوع مطالعات اکتشافی-کیفی می‌باشد. جامعه آماری مشارکت‌کنندگان شامل خبرگان دانشگاهی و افراد متخصص در حوزه صنعت بوده اند که تعداد نمونه‌ها براساس روش نمونه‌گیری گلوله برفی به تعداد سی نفر انتخاب شده است. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا، کدها و مولفه‌های چابک‌سازی مالی از مصاحبه‌ها استخراج و در قالب مدل مفهومی داده بنیاد تدوین گردید.

یافته‌ها: مقوله محوری، چابک‌سازی مالی بوده که در سه بُعد ارائه و همچنین شرایط علی، زمینه ای، مداخله گر، راهبردها و نتایج، تدوین و الگوی نهایی ارائه گردید. سپس با روش تحلیل دلفی، پرسشنامه طراحی الگوی اولیه توسط خبرگان اصلاح، تایید و الگوی چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها ارائه گردید. باتوجه به نتایج این پژوهش، مقوله‌های اصلی الگوی تدوین شده، شامل عوامل درون سازمانی، فناوریانه و انسانی چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها بوده است.

اصالت/ارزش افزوده علمی: از این‌رو، براساس الگوی پیشنهادی این پژوهش می‌توان به پیامدهای مورد انتظار الگوی چابک‌سازی مالی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: فرآیند زنجیره تأمین، چابک‌سازی مالی، نظریه برخواسته از داده‌ها.

۱- مقدمه

امروزه، یکی از مهم‌ترین عوامل بقا و پیشرفت سازمان‌ها، چابکی آن است. سازمان‌ها در این محیط، باید علاوه بر اینکه خود را حفظ می‌کنند، از تغییرات بیشترین سود را ببرند و هرچه بیشتر در راه پیشرفت، گام بردارند. چابکی روشی جدید برای مقابله با این چالش است (پویا و خوبیان^۱، ۲۰۱۴). لازمه کسب چابکی، وجود سیستم انعطاف‌پذیر، دارابودن نیروی کار دانش‌پذیر، و ساختار مدیریتی مشوق نوآوری‌های تیمی است (شهایی^۲، ۲۰۱۳). بر اساس الگوی شریفی و ژانگ^۳ (۲۰۰۱) توانمندی‌های چابکی (سرعت، انعطاف‌پذیری، پاسخگویی و شایستگی) شامل توانمندی‌هایی است که باید به‌منظور ایجاد واکنش درست و به‌موقع به تغییرات، به وجود آید. از طرفی دیگر

¹ Pouya and Khobian

² Shahaii

³ Sharifi and Zhang



سازمان‌ها و مؤسسات ناچارند که برای رقابت در قرن بیست‌ویکم به دنبال چابکی باشند چراکه سازمان‌های مدرن با فشار فزاینده‌ای جهت یافتن راه‌های جدید رقابت کارآمد در بازار پویای جهانی مواجه هستند. چابکی، توانایی سازمان برای عرضه محصولات و خدمات باکیفیت بالا را ارتقا داده و در نتیجه عامل مهمی برای بهره‌وری سازمان می‌شود. یک سازمان چابک، با اتفاقات و تغییرات ناگهانی، به سادگی از پا در نمی‌آید. یک سازمان چابک، سریع‌السير، سازگار و قدرتمند است و به تغییرات ناگهانی، فرصت‌های جدید بازار و نیازمندی‌های مشتری پاسخ سریع می‌دهد. سازمان چابک برای درک و پیش‌بینی تغییرات محیط کسب‌وکار طراحی شده و در این راستا به ساختاربندی خود می‌پردازد. وجود تغییر، عاملی برای نیاز به چابکی در سازمان‌ها است. از این‌رو سازمان چابک نیاز به ظرفیت‌های موجود بالقوه و تطابق برای مواجهه با این تغییرات، عدم اطمینان‌ها در محیط تجاری دارد (بخش چناری و همکاران^۱، ۲۰۱۵).

بنابراین، امروزه یکی از عوامل تأثیرگذار در رسیدن به هدف و کسب موفقیت تجاری مستمر در فضای کسب وکار کنونی، مدیریت صحیح منابع و مصارف مالی شرکت‌ها از طریق هدایت کارا و اثر بخش چرخه عملیات تجاری می‌باشد. این امر مهم درگذشته با استفاده از روش‌های سنتی انجام می‌گرفت. اما امروزه با وجود تغییر و تحولات شتابان نظیر افزایش عدم قطعیت در زنجیره تامین و وجود مسائل سیاسی، نوسانات تقاضا، تغییرات تکنولوژی، ناپایداری‌های مالی و حوادث طبیعی و تأکید برنیل به موفقیت مالی، دیگر آن روش‌های گذشته به تهنایی دارای کارآمدی لازم نیستند. بلکه، شیوه‌های نوینی برای هدایت امور فضای کسب‌وکار معرفی شده که می‌توانند نسبتاً پاسخگویی نیازهای مختلفی همچون نظارتی و کنترلی، هماهنگی و اثربخشی و کارایی مدیران شرکت‌های کنونی باشند. به طوری که توجه هوشمندانه به این امر به نوبه خود موجب ایجاد مزیت رقابتی برای شرکت‌ها در محیط‌های متغیر و پویا می‌شود (رضایی دولت آبادی و مهرآذین^۲، ۲۰۱۳). یکی از بخش‌های مهم شرکت‌ها که در سال‌های اخیر دستخوش تحولات نسبتاً زیادی شده است زنجیره تامین است. زیرا این بخش با توجه به نفوذ فناوری و روش‌های پیشرفته دیگر متکی صرف به شیوه‌های مدیریت پیشین نمی‌باشد، بلکه، یک رویکرد متحولانه جدید و پویایی تحت عنوان چابک‌سازی فراگیر در زنجیره تامین دنبال می‌شود. اما به نظر می‌رسد که از بین ابعاد گوناگون نظریه چابک‌سازی زنجیره تامین محور چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تامین دارای اهمیت چندانی است. در این خصوص، پژوهش‌هایی هم که در سال‌های اخیر انجام گردید به موضوعاتی همچون نحوه انجام و گزارشگری صحیح، حساب‌شده و به موقع اقدامات مالی مربوط به فرآیند زنجیره تامین ضمن توجه به سرعت پردازش بالا، هزینه کم و صرف زمان بهینه به عنوان یکی از نشانه‌های بارز چابکی مالی تأکید فراوانی شده است.

همچنین، بحث و بررسی‌های مفصلی در پژوهش‌های گوناگون از جمله آن استوارت^۳ (۱۹۹۷)، بیامون^۴ (۱۹۹۸)، گانسکاران و همکاران^۵ (۲۰۰۰)، اوتو و کوتزاب^۶ (۲۰۰۳)، گانسکاران و همکاران^۷ (۲۰۰۴)، بانکر و همکاران^۸ (۲۰۰۴)، سای و همکاران^۹ (۲۰۱۰)، سونی و کودالی^{۱۰} (۲۰۱۰)، بیگلیاردی و باتنی^{۱۱} (۲۰۱۰)، جلالوند و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۱)، بای^{۱۳} (۲۰۲۰)، جوانکیانی و محمدجعفری^{۱۴} (۲۰۱۵)، صابری زنوری اصل و حسن زاده^{۱۵} (۲۰۱۴)، صورت گرفته که واکاوی و تحلیل آن‌ها می‌تواند وجود مسأله، عدم چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تامین^{۱۶} شرکت‌ها را بیشتر نمایان سازد. ضمن این‌که ابعاد و زمینه‌های اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع در بین پژوهشگران نیز افزایش خواهد یافت.

بنابراین، تحقیقات اخیر ارتباط بین رویه‌های فرآیند زنجیره تامین و کسب موفقیت مالی شرکت‌ها را مورد بحث و بررسی قرار دادند. البته، برخی از پژوهشگران در نتایج تحقیق خود بیان کردند که به دلیل دشواری استفاده از معیارهای عملیاتی اندازه‌گیری زنجیره تامین یک حلقه ارتباطی مناسبی بین عملیات زنجیره تامین و موفقیت مالی تا کنون مطرح نگردیده است. از این رو، این تحقیق برای پرکردن خلأ بوجود آمده درخصوص موضوع (مسأله بیان‌شده)، یعنی در خصوص فرآیند زنجیره تامین و کسب موفقیت مالی شرکت‌ها با انجام بررسی‌های جامع به دنبال ایجاد یک الگوی مناسب می‌باشد. در واقع، این تحقیق به دلیل اهمیت داشتن عملکرد زنجیره تامین و عملکرد مالی که بیشتر

¹ Bakhsh Chenari et al.

² Rezaei Dolatabadi and Maher Azin

³ Stewart

⁴ Beamon

⁵ Gunasekaran et al.

⁶ Otto and Kotzab

⁷ Gunasekaran et al.

⁸ Banker et al.

⁹ Cai et al.

¹⁰ Soni and Kodali

¹¹ Bigliardi and Bottani

¹² Jalalvand et al.

¹³ Bui

¹⁴ Javan Kiani and Mohammad Jafari

¹⁵ Saberi Zanuri Asl and Hassanzadeh

¹⁶ Supply chain management (SCM)



همان چابک‌سازی مالی مدنظر بوده، به دنبال ارائه مدل چابک‌سازی مالی در فرایند زنجیره تأمین با رویکرد نظریه برخاسته از داده‌ها است. اما ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که در بازار سرمایه ایران، شرکت‌های سهامی به دلیل برخورداری از حجم انجام معاملات نسبتاً بالا نیازمند چابک‌سازی مالی می‌باشند. زیرا عدم برخورداری از چابک‌سازی مالی (سرعت پردازش اطلاعات مالی پایین، دقت پایین و هزینه بالا) احتمال کاهش عملکرد زنجیره تأمین و در نهایت کاهش عملکرد مالی شرکت‌ها به دنبال خواهند داشت. از این رو، با توجه به مطالب فوق در این پژوهش سعی بر آن بوده که به سوالات ذیل پاسخ داده شود:

- عوامل علی مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام‌اند؟
- مقوله‌های محوری مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام‌اند؟
- عوامل مداخله‌گر مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام‌اند؟
- عوامل زمینه‌ای مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام‌اند؟
- راهبردهای کلیدی مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام‌اند؟
- پیامدهای مورد انتظار چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام‌اند؟

همچنین، ادامه مباحث مقاله بدین صورت نگارش شده است که در بخش دوم به بیان مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش، در بخش سوم روش شناسی موضوعی، در بخش چهارم نیز به بیان یافته‌ها و در بخش پنجم به بحث و نتیجه‌گیری و بیان برخی از پیشنهادات می‌پردازد.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- چابکی فرایند زنجیره تأمین

واژه چابک در فرهنگ لغت، به معنای حرکت سریع، چالاک، فعال و چابکی، توانایی حرکت به‌صورت سریع و آسان و قادر بودن به تفکر به‌صورت سریع و با یک روش هوشمندانه است. ریشه و زادگاه چابکی، ناشی از تولید چابک است و تولید چابک مفهومی است که طی سال‌های اخیر عمومیت یافته و به‌عنوان استراتژی موفق توسط تولیدکنندگانی که خودشان را برای افزایش عملکرد قابل ملاحظه‌ای آماده می‌کنند، پذیرفته شده است. در چنین محیطی، هر سازمانی باید توان تولید هم‌زمان محصولات متفاوت و با طول عمر کوتاه، طراحی مجدد محصولات، تغییر روش‌های تولید و توان واکنش کارآمد به تغییرات را داشته باشد. در صورت داشتن چنین توانمندی‌هایی، به آن بنگاه تولیدی، سازمان چابک اطلاق خواهد شد. باوجود تعاریف زیاد از واژه چابکی، هیچ‌یک از آن‌ها مخالف و ناقض یکدیگر نیستند. این تعاریف عموماً ایده "سرعت و تغییر در محیط کسب‌وکار" را نشان می‌دهند. با توجه به جدید بودن بحث چابکی، تعریف جامعی که مورد تأیید همگان باشد، وجود ندارد (شهایی، ۲۰۱۳). از سال ۱۹۹۱ به بعد هرکدام از محققان، تعاریف متعددی را ارائه کرده‌اند: توانایی‌های تولیدکننده برای واکنش سریع به تغییرات ناگهانی و غیرقابل‌پیش‌بینی؛ پاسخ پیش‌کنشی به تغییرات؛ سودآوری از محیط؛ قابلیت سازگاری و شکل‌دهی مجدد و سریع؛ بهره‌گیری از تغییرات به‌عنوان فرصت‌های ذاتی نهفته در محیط‌های آشفته؛ ایجاد سازمان مجازی و استفاده از دانش بازار؛ توانایی پاسخ مؤثر به مشتری؛ توانایی بقا و پیشرفت در محیطی با تغییرات مداوم و غیرقابل‌پیش‌بینی (فتحیان و شیخ^۱، ۲۰۰۹). به باور شریفی و ژانگ (۲۰۰۱) چابکی به معنای توانایی هر سازمانی برای حسگری، ادراک و پیش‌بینی تغییرات موجود در محیط کاری است. چنین سازمانی باید بتواند تغییرات محیطی را تشخیص داده، به آن‌ها به‌عنوان عوامل رشد و شکوفایی بنگرد. آن‌ها درجایی دیگر چابکی را توانایی فائق آمدن بر چالش‌های غیرمنتظره برای رویارویی با تهدیدهای بی‌سابقه محیط کاری و کسب مزیت و سود، از تغییرات به‌عنوان فرصت‌های رشد و پیشرفت تعریف می‌کنند. ماسکل^۲ (۲۰۰۱) چابکی را توانایی رونق و شکوفایی در محیط دارای تغییر مداوم و غیرقابل‌پیش‌بینی تعریف می‌کند. از این بابت، سازمان‌ها نباید از تغییرات محیط کاری خود هراس داشته، از آن‌ها دوری کنند، بلکه باید تغییر را فرصتی برای کسب مزیت رقابتی در محیط بازار تصور کنند. ورنادات^۳ (۱۹۹۹) معتقد است چابکی را می‌توان به‌صورت هم‌سویی نزدیک سازمان با نیازهای متغیر کاری، در جهت کسب مزیت رقابتی تعریف کرد.

¹ Fathian and Sheikh

² Maskell

³ Vernadat



در چنین سازمانی، اهداف کارکنان با اهداف سازمان در یک راستا قرار داشته و این دو توأم با یکدیگر درصدد هستند تا به نیازهای متغیر مشتریان پاسخ مناسبی دهند. به عقیده گلدمن و همکاران^۱ (۱۹۹۵) چابکی سازمانی عبارت است از دادن ارزش به مشتری، آمادگی برای مواجهه با تغییرات، توجه به مهارت‌ها و ایجاد مشارکت در کارکنان. همچنین، چابکی، توانایی یک واحد کسب و کار برای رشد و بقا در یک محیط رقابتی است که تغییرات آن مستمر و غیرقابل‌پیش‌بینی بوده و نیازمند واکنش سریع به بازارهای متغیر است. به اعتقاد کید^۲ (۲۰۰۰) به‌منظور عملیاتی ساختن پارادایم چابکی، می‌توان آن را تلفیقی از مؤسسات بی‌شمار دانست که هر یک مهارت یا شایستگی کلیدی خاصی را برای فعالیت‌های مشترک دارند و می‌توانند سازمان را با کمک یکدیگر برای واکنش سریع به نیازمندی‌های متغیر مشتریان، آماده سازند. کاملاً مشهود است که منظور اصلی کید (۲۰۰۰) در اینجا همان سازمان مجازی است. کید یکی از جامع‌ترین تعاریف چابکی سازمانی را این‌گونه ذکر می‌کند: سازمان چابک، یک کسب‌وکار با سرعت، سازگار و آگاهانه است که قابلیت سازگاری سریع در واکنش به تحولات و وقایع غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده، فرصت‌های بازار و نیازمندی‌های مشتری را دارد. در چنین کسب‌وکاری، فرآیندها و ساختارهایی یافت می‌شوند که سرعت، انطباق و استحکام را تسهیل کرده و دارای سازمان‌دهی هماهنگ و منظمی است که توانایی نیل به عملکرد رقابتی در محیط کسب و کاری کاملاً پویا و غیرقابل‌پیش‌بینی را دارند و البته، این محیط با کارکردهای کنونی سازمان بی‌تناسب نیست.

در حقیقت، امروزه چابکی به منزله یک ابزار رقابتی توانمند برای تمامی سازمان‌ها، در یک محیط متغیر و آشفته به شمار می‌رود. اولین گام در راستای دست‌یابی به سطح چابکی مطلوب، شناسایی قابلیت‌های موردنیاز سازمان برای غلبه بر تغییرات محیطی و تلاش برای بهبود این قابلیت‌ها، با پیاده‌سازی راهبردهای مناسب است. بدیهی است در عمل این امکان وجود دارد که مدیران به طور مستقیم مجموعه‌ای از راهبردها را برای بهبود چابکی سازمان انتخاب و به کار گیرند، بدون این که قابلیت‌ها و نیازهای سازمان را مدنظر قرار دهند. در این صورت خطر وریسک ناشی از عدم هم‌خوانی بین راهبردها و نیازهای سازمان را باید پذیرفت. در واقع، انتخاب صحیح و خردمندانه راهبردها، باعث تسهیل دست‌یابی به قابلیت‌های چابکی موردنیاز سازمان می‌شود. از این‌رو، ارزیابی تأثیر استراتژی‌ها و اولویت بندی آن‌ها قبل از انتخاب و پیاده‌سازی آن امری ضروری به نظر می‌رسد. مسأله اساسی در اینجا چگونگی شناسایی و تعیین استراتژی‌های متناسب با نیازهای سازمان است که در حوزه چابکی، پژوهش‌های بسیار اندکی در این زمینه انجام شده است (مولوی و همکاران^۳، ۲۰۱۳). البته، در مبنای نظری سیستم‌های اطلاعات، به نقش فناوری اطلاعات، به عنوان چابکی شرکت‌ها اشاره شده است (اووربی و همکاران^۴، ۲۰۰۶). زیرا فناوری اطلاعات موقعیت‌های دیجیتال را برای شرکت‌هایی فراهم می‌کند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به طور موثر به تغییر در محیط کسب و کار پاسخ دهند. شرکت‌هایی که فرآیندهای تجاری خود را دیجیتالی کرده‌اند، گزینه‌هایی دارند که می‌توانند در ایجاد مسیرهای جدید برای دسترسی به مشتریان، ایجاد یکپارچگی زمان واقعی با شرکای زنجیره تامین، بهره‌مندی در عملیات داخلی و ارائه محصولات یا خدمات دیجیتال جدید مورد استفاده قرار گیرند (ویلر^۵، ۲۰۰۲). به‌عنوان مثال، سیسکو که فرآیندهای تجاری خود را دیجیتالی کرده است، تامین‌کنندگان و تولیدکنندگان قرارداد را در یک وب سایت عرضه می‌کند که قادر به پاسخ سریع به تغییرات تقاضا است (تاپسکات و همکاران^۶، ۲۰۰۰)، و بسیاری از بانک‌های تجاری به فرآیندهای دیجیتالی خود بستگی دارند و ارائه محصولات جدید به مشتریان خود (راس و بث^۷، ۲۰۰۲). مطالعات تجربی اخیر عوامل زیادی را بررسی کرده‌اند که شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا چابک باشند (راوچندران^۸، ۲۰۱۸). رابرتز و گروور^۹ (۲۰۱۲) معتقدند که یک زیرساخت فناوری اطلاعات شرکت می‌تواند آن را به طور موثر به مشتریان پاسخ دهد و به این ترتیب باعث افزایش چابکی آن شود. لو و رامامورتی^{۱۰} (۲۰۱۱)، دریافتند که قابلیت‌های زیرساخت فناوری اطلاعات، هم‌افزایی بین فناوری اطلاعات و کسب‌وکار و موضع پیشگیرانه فناوری اطلاعات می‌تواند شرکت‌ها را به چابکی تبدیل کنند. تالون و پینسونولت^{۱۱} (۲۰۱۱)، استدلال می‌کنند که هماهنگی راهبردی فناوری اطلاعات شرکت بر چابکی آن تأثیر می‌گذارد، و این ارتباط با انعطاف‌پذیری فناوری اطلاعات نیز تعدیل می‌شود. پژوهشگران دیگر نیز رفتارهای چابک در فعالیت‌های خاص سیستم‌های اطلاعاتی، مانند توسعه

¹ Goldman et al.

² Kidd

³ Molavi et al.

⁴ Overby et al.

⁵ Wheeler

⁶ Tapscott et al.

⁷ Ross and Beath

⁸ Ravichandran

⁹ Roberts and Grover

¹⁰ Lu and Ramamurthy

¹¹ Tallon and Pinsonneault



سیستم‌ها را بررسی کردند (لیوتیان و رز،^۱ ۲۰۰۶)، و همچنین، آن‌ها چگونگی ایجاد سیستم‌های ماندگار غیرقابل انعطاف را برای جلوگیری از رشد سریع شرکت‌ها (ون اوستیرهوت و همکاران^۲، ۲۰۰۶) را بررسی کردند (راویچندران، ۲۰۱۷). در این راستا، فناوری مالی به یکی از ابعاد سیستم‌های اطلاعاتی سازمان‌ها در دهه‌های اخیر، نقش بسزایی در پیشبرد اهداف اقتصادی بنگاه‌ها داشتند. فناوری مالی که به همگرایی دو مفهوم امور مالی و فناوری اشاره دارد به طور غیرمنتظره در سال ۲۰۱۵ میلادی به عنوان یکی از واژه‌های تخصصی پُرکاربرد درآمد و کسب و کارهای مالی را با این روند به خود مشغول کرده است. بسیاری از شرکت‌های مالی مشتاقانه به دنبال درک تأثیر فناوری برگسترش عرضه و تقاضا برای محصولات و خدمات مالی هستند (محمدی قمی و همکاران^۳، ۲۰۱۶). در این زمینه بورچ و همکاران^۴ (۲۰۱۳)، طی پژوهشی به معرفی الگوهایی در بازار تأمین مالی انبوه پرداختند و به صراحت بیان نمودند که تمام تراکنش‌های تأمین مالی انبوه شرکت‌ها از طریق پلتفرم‌های اینترنت-محور انجام می‌شود که ابزار مناسبی را برای انجام معاملات تأمین مالی شرکت‌ها فراهم می‌آورد. در این راستا، در پژوهش‌هایی، بگوات و شارما^۵ (۲۰۰۷)، لوه^۶ (۲۰۰۸)، ویسنر^۷ (۲۰۱۱)، واگنر و کمرلینگ^۸ (۲۰۱۴)، وحدان و امام^۹ (۲۰۱۷)، تسای و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۰)، بویا (۲۰۲۰)، کریمی دستجردی و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۹)، مبعودی و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۹)، فتحی هفشجانی و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۰)، هم چابک‌سازی و ابعاد آن رامورد توجه قرار داده‌اند.

۲-۲- تأثیر چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین بر موفقیت مالی شرکت‌ها

این موضوع که سازمان‌ها چگونه در محیط‌های پویا و غیرقابل پیش‌بینی رفتار کنند، طی چندین دهه از مباحث مورد علاقه در دانشگاه و صنعت بوده است. دو دیدگاه در این زمینه اهمیت دارد. دیدگاه ایستا که چگونگی تأثیر ساختار انعطاف‌پذیر سازمان در توانایی انطباق با محیط را بررسی می‌کند. در مقابل دیدگاه پویا بر نحوه ایجاد، اصلاح و شکل‌دهی مجدد قابلیت‌های سازمان برای تطبیق آن‌ها با تغییرات محیطی تمرکز می‌کند (رابرت و گراور، ۲۰۱۲). به‌زعم گلدمن و همکاران (۱۹۹۵) چابکی به معنای استفاده ترکیبی از فن‌آوری‌ها و رویه‌های پیشرفته و شناخته‌شده تولیدی است. به عبارتی، چابکی با تولید ناب، مدیریت کیفیت جامع، برنامه‌ریزی نیازمندی‌های مواد، مهندسی مجدد فرایندها و توانمندسازی کارکنان، سازگاری و انطباق دوسویه‌ای دارد. بوگر و داس^{۱۴} (۲۰۱۳)، طی پژوهشی ذینفعان اصلی تأمین مالی شرکت‌ها را شامل کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و واسطه‌گران معرفی نمودند. آن‌ها بیان کردند که این سه گروه و تعاملات بین آن‌ها ساختار اولیه تأمین مالی انبوه شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند. از این‌رو، براساس مباحث بالا می‌توان پی برد که محیط کسب و کار معاصر با افزایش شدت رقابت و سرعت تغییر در بازار و انتظارات مشتری مشخص شده است. بنابراین، به طور فزاینده‌ای، لازم است که بنگاه‌ها به سرعت توانایی درک و تغییر در محیط زیست خود را به دست آورند و به آن عمل کنند (آلتشولر و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۰). این توانایی‌ها به عنوان چابکی (داو^{۱۶}، ۲۰۰۱)، "چابکی راهبردی" (ویل و همکاران^{۱۷}، ۲۰۰۲)، "چابکی رقابتی" (گلدمن و همکاران، ۱۹۹۵)، چابکی کسب و کار (ماتیاسن و پریس-هیجه^{۱۸}، ۲۰۰۶)، و علاوه بر این به عنوان "چابکی شرکت" (اوربای و همکاران، ۲۰۰۶)، معرفی شده است. به طوری که مبانی نظری اخیر این مورد جزء عناصر کلیدی موفقیت شرکت‌ها شناخته می‌شوند. البته، اصطلاح چابکی رقابتی را زمانی می‌توان بکار برد که یک کسب و کار چابک بتواند مزیت رقابتی خود را از طریق جمع‌آوری

¹ Lyytinen and Rose

² Van Oosterhout et al.

³ Mohammadi Qomi et al.

⁴ Burtch et al.

⁵ Bhagwat and Sharma

⁶ Loh

⁷ Wisner

⁸ Wagner and Kemmerling

⁹ Wahdan and Emam

¹⁰ Tsai et al.

¹¹ Karimi Dastjerdi et al.

¹² Maboudi et al.

¹³ Fathi Hafshjani et al.

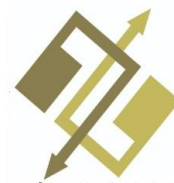
¹⁴ Beugré and Das

¹⁵ Altschuller et al.

¹⁶ Dove

¹⁷ Weill et al.

¹⁸ Mathiassen and Pries-Heje



اطلاعات با سرعت بالا و ایجاد تغییرات در محیط (بازار) خود و همچنین، از طریق پاسخ دهی به طور موثر ایجاد کند (آلتشولر و همکاران، ۲۰۱۰).

۳- روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری از نوع بنیادی و از نظر هدف نیز اکتشافی است. به طوری که نوع پژوهش حاضر کیفی و راهبردی مورد استفاده آن در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز نیمه‌تجربی بر نظریه پردازی داده بنیاد می‌باشد. نظریه پردازی داده بنیاد، یک نوع روشی پژوهشی برای علوم اجتماعی بوده که توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی به نام گلیسر^۱ (۱۹۷۸) و کوربین و استراوس^۲ (۱۹۹۰)، تدوین شده است (دانایی فرد و امامی^۳، ۲۰۰۷). مشارکت‌کنندگان در جامعه آماری این پژوهش شامل کارمندان، کارشناسان، سرپرستان، مدیران، میانی و مدیران ارشد که با مسائل و موضوعات شرکت‌ها به خصوص شرکت‌های بورسی در ایران و سایر بازارهای مالی آشنایی داشتند انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها هم از دو بخش مطالعات کتابخانه‌های و میدانی (توزیع پرسشنامه و مصاحبه) در بین مشارکت‌کنندگان جامعه آماری این پژوهش بهره گرفته شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از رویکرد نظریه پردازی داده بنیاد استفاده شده است. بنابراین، در جهت ارائه الگوی چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین از رویکرد نظریه پردازی داده بنیاد با ابعاد تدوین شده در الگوی مفهومی پژوهش استفاده شده است. شایان ذکر می‌باشد که در این پژوهش با توجه به وسعت جامعه که منجر به صرف هزینه و وقت بسیار و کاهش دقت مطالعه می‌شود و به منظور اطمینان از این که نمونه مورد مطالعه معرف جامعه آماری است و مؤلفه‌های محاسبه شده از اعتبار لازم برای استنباط آماری و برآورد پارامترهای جامعه برخوردار هستند، و از آن‌جا که انتخاب نمونه با اندازه کافی به منظور جمع‌آوری اطلاعات از اهمیت زیادی برخوردار است، با استفاده از روش نمونه‌گیری روش گلوله برفی استفاده شده است. بنابراین، حجم مشارکت‌کنندگان به تعداد (۳۰) نفر، نمونه‌گیری با استفاده از روش گلوله برفی صورت گرفته است. به طور کلی، مشارکت‌کنندگان از میان کارشناسان و خبرگان دانشگاهی در رشته‌های حسابداری و مالی، مدیریت، اقتصاد، فعالان حوزه سرمایه‌گذاری و مدیریت تولید، بر اساس معیارهای ذیل انتخاب شدند.

- کلیدی بودن: در حوزه مالی و مدیریت تولید و به خصوص بخش زنجیره تأمین افراد کلیدی و موثری باشند.
- شناسایی شده توسط سایرین: در حوزه مالی و مدیریت تولید و به خصوص بخش زنجیره تأمین مورد تأیید و اشاره خبرگان حوزه بوده اند.
- فهم نظری موضوع: در حوزه دانشگاهی و متون تخصصی مالی و مدیریت تولید و به خصوص بخش زنجیره تأمین تسلط کافی داشته باشند.
- تنوع: سابقه حضور در شرکت‌های متنوع و زیرشاخه‌های متفاوت مالی و مدیریت تولید و به خصوص بخش زنجیره تأمین داشته باشند.
- تمایل به همکاری: علاقه و صدق گفتار در این مورد محل توجه بوده است. در نهایت می‌توان گفت که ویژگی‌های کلیدی جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به شرح جدول ۱ می‌باشد (فلینت^۴، ۱۹۹۹). به طور خلاصه در جدول ۱، خلاصه نتایج مربوط به آماری توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی (سن، تحصیلات، سابقه خدمت، رده سازمانی و رشته تحصیلی) مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر ارائه شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های توصیف آماری متغیرهای جمعیت شناختی

در این بخش به طور خلاصه نتایج مربوط به ویژگی‌های کلیدی جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این پژوهش متغیرهای جمعیت شناختی مربوط به مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر شامل (سن، تحصیلات، سابقه خدمت، رده سازمانی و رشته تحصیلی) بوده که نتایج مربوط به آن نیز به شکل خلاصه در جدول ۱ ارائه شده است.

¹ Glaser

² Corbin and Strauss

³ Danaeifard and Emami

⁴ Flint

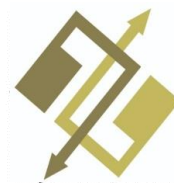
جدول ۱- یافته‌های توصیفی جمعیت‌شناختی.
Table 1- Descriptive demographic findings.

ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	21
	زن	9
سن	کمتر از ۳۵	5
	بین ۳۶ تا ۴۵	9
	بین ۴۶ تا ۵۵	10
تحصیلات	بین ۵۶ تا ۶۶	6
	کارشناسی ارشد	12
	دکتری و بالاتر	18
	کمتر از ۱۰ سال	5
سابقه خدمت	بین ۱۱ تا ۱۵ سال	8
	۱۶ تا ۲۰ سال	10
	۲۱ تا ۳۰ سال	7
رشته تحصیلی	حوزه فناوری	3
	خبرگان دانشگاهی	5
	اساتید و خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش	12
	مدیریت تولید و بازرگانی	7
	سازمان و مدیریت و اقتصاد	3
	حسابداری مدیریت مالی و تولید	9
	اقتصاد و بازاریابی	8
	فنی و مهندسی صنایع	8
	سایر رشته‌ها	5
	0/15	5

منبع: محاسبات پژوهشگران.

در جدول ۱، توزیع جمعیت مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر برحسب جنسیت به عنوان نمونه آماری ارائه شده است. همان‌طور ملاحظه می‌شود فراوانی جنسیت پاسخگویان بدین شکل بوده که از تعداد (۳۰) نفر پاسخگو (خبره) ۶۹% (۲۱ نفر)، از پاسخگویان مرد و ۳۱% یعنی (۹ نفر)، از پاسخگویان زن می‌باشند. بیشترین فراوانی مطلق سن مشارکت‌کنندگان هم مربوط به پاسخگویان گروه سنی بین ۴۶ تا ۵۵ سال و کمترین فراوانی مطلق نیز مربوط به گروه سنی زیر ۳۵ سال می‌باشند. همچنین، در بخش توزیع فراوانی و درصد تجمعی میزان تحصیلات پاسخگویان ملاحظه می‌شود که بیشترین فراوانی مطلق میزان تحصیلات پاسخگویان مربوط به مقطع تحصیلی دکتری و بالاتر (۶۰ درصد) و کمترین فراوانی مطلق نیز مربوط به مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد (۴۰ درصد)، می‌باشند. همچنین، مطابق توزیع فراوانی میزان سابقه فعالیت تخصصی جمعیت مشارکت‌کننده در پژوهش منتخب ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی مطلق مربوط به گروه با سابقه فعالیت بالای کمتر از ۱۰ سال می‌باشند. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که برحسب رده سازمانی بیشترین فراوانی مطلق مربوط به اساتید و خبرگان حوزه مالی و حسابداری ۴۰% یعنی (۱۲ نفر) و کمترین فراوانی مطلق آن نیز مربوط به گروه اساتید و خبرگان حوزه فناوری می‌باشند. در نهایت این‌که در خصوص توزیع فراوانی نوع رشته تحصیلی جمعیت مشارکت‌کننده در پژوهش منتخب می‌توان بیان نمود که بیشترین فراوانی مطلق مربوط به گروه حسابداری، مدیریت مالی و تولید بوده و کمترین فراوانی مطلق هم مربوط به سایر رشته‌های تحصیلی می‌باشند.





۴-۲- یافته‌های بخش کیفی (جمع‌آوری گزاره‌ها در مصاحبه با خبرگان) و کدگذاری داده‌های پژوهش

کوبن و استراوس (۱۹۹۰)، میلادی با تدوین کتاب «کشف نظریه داده‌بنیاد» سه شیوه کدگذاری داده‌ها را پیشنهاد دادند: شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بوده است (لی^۱، ۲۰۰۱). بر این اساس، مراحل اجرایی پژوهش حاضر مبتنی بر این سه روش کدگذاری بوده است. البته، کدگذاری انتخابی به‌عنوان بخشی از فرآیند خلق نظریه بوده که در مرحله نهایی هم مبانی نظری و هم نتایج مصاحبه با خبرگان درخصوص کدگذاری انتخابی توضیح داده می‌شود. ابتدا با استفاده از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌های مستندات منتشر شده توسط پژوهشگران منتخب داخلی و بین‌المللی نظیر استوارت (۱۹۹۵)، بیامون (۱۹۹۹)، گانسکاران و همکاران (۲۰۰۰)، اوتووکوتزاب (۲۰۰۳)، گانسکاران و همکاران (۲۰۰۴)، بانکر و همکاران (۲۰۰۴)، سای و همکاران (۲۰۱۰)، سونی و کودالی (۲۰۱۰)، بیگیلاردی و باتتی (۲۰۱۰)، جلال‌وند و همکاران (۲۰۱۱)، بای (۲۰۲۰)، جوانکیانی و محمدجعفری (۲۰۱۵)، صابری و حسن زاده (۲۰۱۴)، و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان و خبرگان دانشگاهی گزاره‌های مربوط به الگوی چابک سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها جمع‌آوری و سپس با استفاده از روش داده بنیاد گزاره‌های استخراج شده طی سه مرحله کدگذاری گردید و مفاهیم، مولفه‌ها و مقوله‌های اصلی الگوی پژوهش استخراج گردید.

علاوه بر این، با توجه به اینکه هدف تحقیق حاضر ارائه الگوی چابک سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها بوده به شکل مشروح از معیاری به نام اشباع نظری داده برای تعیین نقطه پایان استفاده گردیده است، به عبارت بهتر در این وضعیت داده جدیدی که به پژوهش وارد می‌شود طبقه بندی محوره‌های اساسی چابک سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها را تغییر نمی‌دهد و پیشنهادی هم برای ایجاد طبقه جدید ایجاد نمی‌کند. داده‌های حاصل از مطالعه متون مربوطه طی مصاحبه با (۳۰) نفر مشارکت کننده در دو مرحله، پس از تبدیل شدن به اطلاعات کتبی تحلیل شدند و از آن‌ها بالغ بر (۳۰)، گزاره مرتبط با موضوع پژوهش بدست آمد که به دلیل بالابودن حجم تعداد صفحات این جدول صرفاً تعدادی از آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

۴-۲-۱- کدگذاری باز و استخراج مفاهیم مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین

کدگذاری باز^۲، فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شنا سایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند (کوبن و استراوس، ۱۹۹۰؛ لی، ۲۰۰۱). در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را به وسیله بخش‌بندی^۳ اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را برهمه داده‌های جمع‌آوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع یا یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد (کرسول^۴، ۲۰۰۲). درحقیقت، با استفاده از کدگذاری باز خط به خط گزاره‌های بدست آمده از مرحله قبل بازنگری شده و مفاهیم اصلی مربوط به سوال پژوهش استخراج می‌شود و به آن لفظ کد یا مفهوم اطلاق می‌گردد. کد باید گویای محتوای داده باشد، به طوری که محقق و خواننده، با مشاهده این عنوان، تاحدود زیادی به مفهوم جملات پی‌بیرند (میلز و هوبرمن^۵، ۲۰۰۲). بنابراین، حاصل این مرحله استخراج (۷۳) مفهوم مرتبط به چابک سازی مالی زنجیره تأمین است که در جدول ۳، نشان داده شده است.

¹ Lee

² Open Coding

³ Segmentation

⁴ Creswell

⁵ Miles and Huberman

جدول ۲- خلاصه گزاره‌های استخراج شده مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین.

Table 2- Summary of extracted statements related to supply chain financial agility.

ردیف	شناسه	گزاره‌های استخراج شده براساس یافته‌های میدانی و مصاحبه با خبرگان پژوهش (مشارکت‌کنندگان)
۱	R1	یکی از مواردی که در بخش زنجیره تأمین و چه در سایر بخش‌های یک شرکت‌های (سازمان‌های) حائز اهمیت است، موضوع اعتماد و صداقت است.
۲	R2	رمز موفقیت در دنیای امروز، همان خلق ارزش و کیفیت مناسب برای محصولات و خدمات مورد عرضه به بازار هدف است.
۳	R3	توانمندسازی کارکنان، به معنای تشویق آنان برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری است، یعنی، فضای برای مشارکت همه جانبه افراد در شرکت (سازمان) فراهم شود تا آن‌ها بتوانند به عنوان یک نیروی دانشی ایده‌های جدید و خوبی را ارائه و از آن ایده در اجرا (عمل) استفاده نماید.
۴	R4	ارتقاء دانش، مهارت و توانمندی نیروی انسانی (کارکنان) در انجام وظایف و مأموریت‌های محوله در سطح فردی، سطح گروهی و در سطح سازمانی گامی مهم در پیشبرد اهداف آموزشی برای نیل به راهبردهای در شرکت‌های به‌شمار می‌رود.
۵	R5	در محیط کسب‌وکار همه شرکت‌های (سازمان‌های) به نوبه خود به عنوان مشتریانی برای شرکت‌های دیگر و تأمین‌کنندگانی برای برخی دیگر از شرکت‌ها محسوب می‌شوند.
۶	R6	مجموعه دانش مالی در سال‌های اخیر رویکردهای جدید به واقعیت‌های پیچیده بازارهای مالی خصوصاً بازارهای سرمایه ارائه نموده که موضوع سطح سواد (تحصیلات) کارکنان بنگاه می‌تواند به نوبه خود سهم بسزایی در نیل موفقیت به اهداف مالی زنجیره تأمین خواهد داشت.
۷	R7	موضوع آموزش چه در بخش زنجیره تأمین و چه در سایر بخش‌های یک شرکت (سازمان) تجاری امری بدیهی محسوب می‌شود. به طوری که شرکت‌های (سازمان‌های) گوناگون متناسب با زمان و موقعیت به موضوع آموزش نیروی خود می‌بایست توجه نمایند. زیرا آموزش مؤثر کارکنان موجب آگاهی بیشتر آن‌ها نسبت به محیط کسب‌وکار آن‌ها شده که این موضوع تا حد زیادی وابسته به اهداف شرکت نیز می‌باشد.
۸	R8	انعطاف‌پذیری به میزان توانایی سازگاری، ایستادگی و مدیریت شرایط و موقعیت‌های عدم اطمینان اشاره دارد. بنابراین، می‌توان گفت که ایجاد و برخورداری از انعطاف‌پذیری لازم برای پیگیری و انجام امور و فعالیت‌های مالی مشخص در فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها به نوبه خود انعطاف‌پذیر چرخه عملیات مالی فرآیند زنجیره تأمین را به دنبال خواهد داشت.
۹	R9	محیط دانشگاهی و پژوهشی می‌تواند با انتقال دستاوردها و نتایج پژوهشی خود در حوزه مالی مربوط به فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌های روش‌های علمی و اصول جدیدی را برای انجام اقدامات ارائه نمایند. به طوری که این موضوع به نوبه خود باعث ایجاد انعطاف‌پذیری لازم و به موقع در چرخه عملیات آن واحد و من جمله چابکی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها خواهند شد.
۱۰	R10	در مبنای نظری مفهوم مدیریت تولید و مهندسی صنایع عامل بهبود کیفیت به عنوان یک عامل کلیدی برای ایجاد چابک‌سازی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها محسوب می‌شود. حال اگر فرآیند مالی زنجیره تأمین به واسطه کاربرد ابزارها و روش‌های فناورانه و نیروی انسانی دانشی برخورد شود، می‌توان گفت که در سطح حداقلی از کیفیت لازم برخوردار می‌گردد.

محاسبات پژوهشگر.

جدول ۳- خلاصه نتایج مفاهیم (کدهای) استخراج شده مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین.

Table 3- Summary of the results of extracted concepts (codes) related to supply chain financial agility.

ردیف	گزاره‌های استخراج شده
۱	افزایش اعتماد و صداقت.
۲	شبکه کسب‌وکاری منظم.
۳	محیط کسب و کارهای خرد و اجزاء فناوری‌های پیشرفته.
۴	روزآمدی مهارت کارکنان.
۵	روابط نزدیک با مشتریان و تأمین‌کنندگان.
۶	رشته تحلیلی کارکنان بنگاه.
۷	آموزش مؤثر کارکنان.
۸	مهندسی مجدد فرآیندهای کاری.



جدول ۳- (ادامه).
Table 3- (Continued).

ردیف	گزاره‌های استخراج شده
۹	محیط دانشگاهی و پژوهشی.
۱۰	میزان رضایت شغلی کارکنان بنگاه.
۱۱	بهبود کیفیت.
۱۲	نرخ مالیات.
۱۳	سرعت تحویل و انجام مأموریت.
۱۴	فرهنگ تغییر محیط سازمان (شرکت).
۱۵	قابلیت مدیریت ریسک.
۱۶	درک و شناخت مشتریان و عرضه‌کنندگان در خصوص اقدامات مشترک.
۱۷	حفظ همزمان کیفیت و کمیت در خصوص محصول و خدمات تولیدشده.
۱۸	برنامه ریزی راهبردی.
۱۹	ارائه ارزش به مشتری (سرمایه گذاران).
۲۰	رضایت مشتریان (سرمایه گذاران).
۲۱	یکپارچگی و پیبیدگی کم.
۲۲	میزان حمایت مدیران از ایده های نو و خلاق کارکنان در بخش‌های مختلف چرخه عملیات بنگاه.
۲۳	قابلیت‌های اینترنت.
۲۴	سازمان یادگیرنده.
۲۵	متحرک سازی قابلیت های اساسی.
۲۶	انطلاق با تغییر.
۲۷	مشارکت کارکنان.
۲۸	کارکنان توانمند و چندمهارته.
۲۹	تغییر در فرآیندهای فنی و اداری و برون سپاری.
۳۰	میزان سن کارکنان بنگاه.
۳۱	سبک رهبری.
۳۲	خدمات و مشوق‌های دولتی.
۳۳	کارکنان انعطاف‌پذیر.
۳۴	بهبود مستمر (بازار سهام).
۳۵	دسترسی و دانش کارکنان به اطلاعات.
۳۶	زیرساخت فتاوری اطلاعات.
۳۷	ساختار سازمانی منعطف.
۳۸	میزان بین دانش کارکنان (خلق، توسعه، توزیع و تسهیم).
۳۹	تصمیم‌گیری غیر متمرکز و گروهی.
۴۰	سازگاری و پذیرش فناوری.
۴۱	سازمان مجازی (کارگزاری‌ها).
۴۲	برخورداری از نمودار جریان زمانی، مکانی و مکانی فعالیت (برنامه جامع کنترل عملیات).
۴۳	به اشتراک گذاشتن اطلاعات شفاف.
۴۴	تجربه فعالیت کارکنان بنگاه.
۴۵	پاسخگویی سریع.
۴۶	یکپارچه سازی منابع و اقدامات.
۴۷	توانایی شبکه‌سازی.
۴۸	فناوری مناسب.
۴۹	تخصیص سریع منابع.
۵۰	توانمندسازی کارکنان واحدهای گوناگون بنگاه.
۵۱	رونق داشتن بازار.
۵۲	چشم انداز راهبردی.
۵۳	تفویض اختیار به کارکنان.
۵۴	صرفه‌جویی در هزینه‌ها.

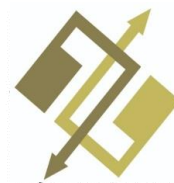


Table 3- (Continued).

ردیف	گزاره‌های استخراج شده
۵۵	توع جنسیت کارکنان بنگاه.
۵۶	رویدادهای شاخص.
۵۷	شرایط عمومی تسهیل‌گر.
۵۸	یکپارچگی انجام فعالیت‌های بخش مالی.
۵۹	انعطاف پذیری.
۶۰	شرایط عمومی محدودکننده.
۶۱	ارزیابی عملکرد و ارتقاء.
۶۲	راهبرد منعطف.
۶۳	محیط حمایتی.
۶۴	کارایی و اثر بخشی عملیاتی.
۶۵	حذف فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده.
۶۶	سیاست‌های آموزشی.
۶۷	مدیریت تغییر فضای کسب‌وکار.
۶۸	شرایط فیزیکی تولید و زیر ساخت‌های مالی بنگاه.
۶۹	درک چشم اندازه‌های سازمانی.
۷۰	سطح سواد (تحصیلات) کارکنان بنگاه.
۷۱	تیم‌های میان کارکردی.
۷۲	نحوه ارائه خدمات رسانی به مشتریان.
۷۳	نوع اتوماسیون اداری و مالی بنگاه.

۲-۲-۴- کدگذاری محوری و استخراج مفاهیم مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین

کدگذاری محوری^۱، فرآیند ربط دهی مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها، و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد هست. این نوع کدگذاری، به این دلیل «محوری» نامیده شده است که کدگذاری مربوطه حول «محور» یک مقوله تحقق می‌یابد (کوبن و استراوس، ۱۹۹۰؛ لی، ۲۰۰۱). از این رو، در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری باز، تدوین شده و سر جای خود قرار می‌گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد گردد (لی، ۲۰۰۱). در مرحله کدگذاری محوری از چند اقدام اصلی بحث شده است که خلاصه این اقدامات نیز در جدول ۴، نشان داده شده است (استراوس^۲، ۱۹۸۷؛ لی، ۲۰۰۱).

جدول ۴- خلاصه اقدامات کدگذاری محوری.

Table 4- Summary of pivotal coding actions.

ردیف	شرح	منبع
۱	بیان کردن ویژگی‌های یک مقوله و ابعاد آن‌ها؛ اقدامی که حین کدگذاری باز شروع می‌شود.	(استراوس، ۱۹۸۷؛ لی، ۲۰۰۱؛ به نقل از دانایی فرد و امامی، ۲۰۰۷).
۲	شناسایی شرایط گوناگون، کنش یا برهم‌کنش‌های گوناگون و پیامدهای گوناگون مربوط به یک پدیده است.	
۳	ربط‌دهی یک مقوله به زیرمقوله هایش: از طریق گزاره‌هایی که چگونگی ربط آن‌ها به همدیگر را مطرح می‌کنند.	
۴	جستجوی سرخ‌هایی در داده‌ها که بر چگونگی ربط‌دهی‌های ممکن مقوله‌های اصلی به هم دلالت دارد.	

¹Axial Coding² Strauss



بنابراین، می‌توان بیان کرد که در این مرحله، مفاهیم استخراج شده از گزاره‌ها، به صورت مداوم مقایسه و دسته‌بندی می‌شوند و زمینه‌های مشترک بیشتری را میان آن‌ها کشف و امکان طبقه‌بندی مفاهیم مشابه در قالب مفاهیم یکسان (مولفه) فراهم می‌شود که به آن (روش مقایسه پایدار) یا (روش تطبیق وادوم) می‌گویند (سلدن^۱، ۲۰۰۵). از این رو، در این پژوهش هم با استفاده از تکنیک مقایسه پایدار، زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم امکان پذیر می‌گردد و مفاهیم فرعی‌تر به دست آمده از مرحله کدگذاری باز به مفاهیم اصلی (مولفه‌های کلیدی‌تر) مرتبط می‌گردند. حاصل این مرحله از فرآیند تحقیق، شکل‌گیری ۶ مؤلفه مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین عوامل علی چابک‌سازی مالی، مقوله محوری، عوامل راهبردی، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه‌ای و پیامدهای مورد انتظار گردید که جزئیات آن به شرح جدول ۵ می‌باشد.

جدول ۵- خلاصه گزاره‌های استخراج شده مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین.
Table 5- Summary of extracted statements related to supply chain financial agility.

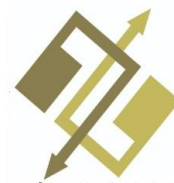
انحراف معیار	میانگین پاسخ‌ها	کد (گویه) استخراج شده در مصاحبه با خبرگان	مولفه‌های کلیدی
1/23	2/78	شرایط فیزیکی تولید و زیر ساخت‌های مالی بنگاه.	عوامل علی چابک سازی مالی
0/98	1/08	نوع اتوماسیون اداری و مالی بنگاه.	
0/66	1	تغییر در فرآیندهای فنی و اداری و برون‌سپاری.	
0/54	2/55	یکپارچگی انجام فعالیت‌های بخش مالی.	
0/66	3/22	برخورداری از نمودار جریان فعالیت (برنامه جامع کنترل عملیات).	
0/56	2/67	مهندسی مجدد فرآیندهای کاری.	
0/45	2/65	توانمندسازی کارکنان واحدهای گوناگون بنگاه.	
0/78	2/45	شبکه کسب و کار منظم.	
0/53	1/07	درک و شناخت مشتریان و عرضه‌کنندگان در خصوص اقدامات مشترک.	
0/77	1/02	ساختار سازمانی منعطف.	
1/54	2/55	تفویض اختیار به کارکنان.	مقوله محوری (عوامل سازمانی چابک سازی مالی)
1/01	2/49	روزآمدی مهارت کارکنان.	
0/51	4/36	آموزش مؤثر کارکنان.	
0/89	2/41	انعطاف پذیری.	
0/63	4/43	پاسخگویی سریع.	
0/81	2/37	سرعت تحویل و انجام مأموریت.	
0/93	1/05	فرهنگ تغییر.	
0/84	3/44	افزایش اعتماد و صداقت.	
0/57	4/51	کیفیت و کمیت محصول و خدمات.	
0/54	2/32	حذف فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده.	
0/96	4/26	یکپارچگی و پیچیدگی کم کلیه اقدامات بنگاه.	مقوله محوری (عوامل انسانی چابک سازی مالی)
9/56	2/22	سازمان یادگیرنده.	
0/84	1/04	قابلیت مدیریت ریسک.	
0/43	2/21	مشارکت کارکنان.	
0/56	3/87	کارکنان توانمند و چند مهارته.	
0/34	3/65	تیم‌های میان کارکردی.	
0/45	4/19	کارکنان انعطاف پذیر.	
0/64	3/45	دسترسی و دانش کارکنان به اطلاعات.	
0/43	2/19	زیر ساخت فناوری اطلاعات.	
0/67	2/11	سازگاری و پذیرش فناوری.	
0/88	2/08	سازمان مجازی (کارگزاری ها).	مقوله محوری (عوامل فناوری چابک سازی مالی)
0/65	4/04	به اشتراک گذاشتن اطلاعات شفاف.	
0/93	3/26	یکپارچه سازی منابع و اقدامات.	
0/78	2/02	فناوری مناسب.	

¹ Selden

Table 4- (Continued).

انحراف معیار	میانگین پاسخ‌ها	کد (گویه) استخراج شده در مصاحبه با خبرگان	مولفه‌های کلیدی
0/34	1/98	تخصیص سریع منابع.	
1/23	1/86	متحرک سازی قابلیت های اساسی.	
1/54	3/21	چشم انداز راهبردی.	
1/33	4/11	انطباق با تغییر.	
1/24	3/76	صرفه جویی در هزینه‌ها.	
0/77	3/95	مدیریت تغییر.	
0/89	2/54	برنامه ریزی راهبردی.	عوامل راهبردی چابک
0/65	3/87	کارایی و اثر بخشی عملیاتی.	سازی مالی
0/78	3/79	بهبود کیفیت.	(راهبردهای مسأله
0/54	3/67	راهبرد منعطف.	چابک سازی مالی)
0/34	1/67	روابط نزدیک با مشتریان و تامین کنندگان.	
0/75	1/54	تصمیم گیری غیر متمرکز و گروهی.	
0/65	1/43	بهبود مستمر (بازار سهام).	
0/34	3/55	ارائه ارزش به مشتری (سرمایه گذاران).	
0/61	3/58	رضایت مشتریان (سرمایه گذاران).	
1/43	3/54	سیک رهبری.	
1/62	3/76	میزان سن کارکنان بنگاه.	
0/43	3/45	نوع جنسیت کارکنان بنگاه.	
0/55	3/61	سطح سواد (تحصیلات) کارکنان بنگاه.	عوامل مداخله‌گر چابک
0/34	3/43	تجربه فعالیت کارکنان بنگاه.	سازی مالی (متغیرهای
0/67	1/33	رشته تحصیلی کارکنان بنگاه.	جمعیت شناختی)
0/28	1/30	میزان رضایت شغلی کارکنان بنگاه.	
0/41	1/29	میزان حمایت مدیران از ایده های نو و خلاق کارکنان در بخش‌های مختلف چرخه عملیات بنگاه.	
0/34	3/39	دانش کارکنان (خلق، توسعه، توزیع و تسهیم).	
0/43	1/23	محیط حمایتی.	
0/61	3/03	قابلیت‌های اینترنت.	
0/45	2/12	نحوه ارائه خدمات رسانی به مشتریان.	عوامل زمینه‌ای
0/59	4/23	رویدادهای شاخص.	(بسترهای) مؤثر
0/94	3/28	توانایی شبکه سازی.	
0/75	2/10	رونق داشتن بازار.	
0/37	1/79	نرخ مالیات.	
1/46	1/92	پاسخ‌گویی به‌موقع به استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی (درون و برون سازمانی).	
1/65	3/22	ایجاد شایستگی محوری در فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها.	
1/56	4/16	انعطاف پذیری فعالیتهای مالی در فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها.	پیامدهای مورد انتظار
1/27	3/91	بهبود سرعت پاسخگویی به مشتریان و سایر ذینفعان شرکت.	
0/93	3/85	خلق مدیریت پایگاه داده دانش مالی.	
0/77	2/85	ایجاد فرهنگ توانمندسازی بین کارکنان نسبت به همسوسازی عملیات بنگاه با شرایط بازار (محیط).	





به طور کلی، در این بخش یعنی کدگذاری محوری و استخراج مفاهیم مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین طی مصاحبه و توزیع در پرسشنامه در دو مرحله (مرحله اول و دوم دلفی) لیستی از عوامل مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها بود که از پژوهش‌های پیشین و گفتگو با خبرگان مشارکت‌کننده در این پژوهش استخراج و ارائه گردید. البته، خبرگان نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از عوامل، مولفه‌ها و نتایج ارائه دادند که انتخاب آن‌ها هم براساس یکی از گزینه‌های موجود در مقابل آن‌ها و در قالب طیف لیکرت و شامل "تأثیر بسیار کم: ۱"، "تأثیر کم: ۲"، "تأثیر متوسط: ۳"، "تأثیر زیاد: ۴" و "تأثیر بسیار زیاد: ۵" بوده است. بنابراین، در جدول ۵ نتایج مرتبط با کدگذاری محوری و استخراج مفاهیم مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین که از محل پژوهش‌های پیشین و توزیع پرسشنامه در دور متوالی دلفی که شامل مواردی مانند تعداد پاسخ‌ها برای هرگویه، میانگین پاسخ‌ها، انحراف معیار آن‌ها هر عامل بر اساس میانگین پاسخ‌ها بوده درج شده است. در این رابطه ضریب همبستگی کندال پاسخ‌های این دو دور متوالی هم به ترتیب (۰/۹۰۴) و (۰/۹۰۷) می‌باشد که نشان‌دهنده افزایش توافق بین اعضای خبرگان است و با توجه به این که ضریب توافق این دور با ضریب توافق دوره اول تفاوت چندانی نکرده است می‌توان بیان داشت که ضریب توافق بین خبرگان، بالا بوده و اشیاع نظری بین خبرگان در خصوص هر یک از عوامل ۶ گانه مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها را شامل می‌شود.

۳-۲-۴- کدگذاری انتخابی و استخراج مفاهیم مرتبط با چابک‌سازی مالی زنجیره تأمین

کوبن و استراوس (۱۹۹۰)، کدگذاری انتخابی را به همراه کدگذاری باز و محوری این‌گونه تشریح می‌کنند: «در کدگذاری باز، تحلیل‌گر به پدیدآوردن مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها می‌پردازد و سپس می‌کوشد تا مشخص کند که چگونه مقوله‌ها در طول بُعدهای تعیین شده تغییر می‌کنند. در کدگذاری محوری مقوله‌ها به طور نظام‌مند بهبودیافته و با زیر مقوله‌ها پیوند داده می‌شوند. با این حال این‌ها هنوز مقوله‌های اساسی نیستند که در نهایت برای تشکیل یک آرایش نظری بزرگتر شوند، به طوری که نتایج تحقیق شکل نظریه پیدا کنند.» کدگذاری انتخابی "فرآیند یکپارچه سازی و بهبود مقوله‌ها است (کوبن و استراوس، ۱۹۹۰؛ لی، ۲۰۰۱). بر این اساس، می‌توان گفت که کدگذاری انتخابی آخرین مرحله کدگذاری است و در آن به استحکام بیشتر مولفه‌ها پرداخته می‌شود و وجوه مشترک مولفه‌های برآمده از مراحل قبلی، با توجه به اشتراکات آن‌ها در دسته بندی‌های کلی‌تر و محدودتر ساماندهی می‌شود (آلن و ساندرز، ۲۰۰۲). بررسی مولفه‌های ۱۰ گانه برآمده از مرحله کدگذاری محوری حاکی از آن است که به طور کلی عوامل ۶ گانه مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها در سه مقوله اصلی شامل (۱) عوامل سازمانی چابک‌سازی مالی، (۲) عوامل فناورانه چابک‌سازی مالی، و (۳) عوامل انسانی چابک‌سازی مالی، و عوامل علی چابک‌سازی مالی، راهبردهای مسئله چابک‌سازی مالی، عوامل مداخله‌گر چابک‌سازی مالی، عوامل زمینه‌ای (بسترهای) مؤثر و پیامدهای مورد انتظار می‌توان خلاصه کرد.

۵- مدل استخراج شده

در این پژوهش، هدف اصلی طراحی الگوی چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها با رویکرد نظریه برخاسته از داده‌ها مدنظر بوده است. بدین منظور، ابتدا، در بخش اول مطالعه و مروری بر روی مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش، ابعاد، مولفه‌های اصلی و فرعی، شاخص‌های کلیدی، متغیرها و گویه‌های مرتبط با الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر شناسایی و احصاء گردید. سپس، در مرحله دوم، به منظور احصای نهایی مدل پیشنهادی و طراحی الگوی چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها، مصاحبه‌های تخصصی با خبرگان دانشگاهی در رشته‌های حسابداری، مالی، مدیریت، اقتصاد و فعالان حوزه سرمایه‌گذاری و مدیریت تولید، انجام و گزاره‌های مربوط به الگوی پیشنهادی استخراج گردید. به طوری که با روش داده بنیاد کدگذاری سه مرحله‌ای یعنی کدگذاری باز، محوری و انتخابی مدل مذکور نهایی و احصاء گردید. بنابراین، چارچوب نظری (مفهومی) الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر در شکل ۱ قابل مشاهده است.

در سوال اول پژوهش حاضر بیان شد که عوامل علی مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام اند؟ در پاسخ سوال فوق می‌توان گفت مهم‌ترین دستاوردهای این بخش شامل: شرایط فیزیکی تولید و زیر ساخت‌های مالی بنگاه، نوع اتوماسیون اداری و مالی بنگاه، تغییر در فرآیندهای فنی و اداری و برون‌سپاری، یکپارچگی انجام فعالیت‌های بخش مالی، برخورداری از نمودار جریان زمانی، مکانی

و مکانی فعالیت (برنامه جامع کنترل عملیات)، مهندسی مجدد فرآیندهای کاری، توانمندسازی کارکنان واحدهای گوناگون بنگاه، شبکه کسب و کاری منظم و درک و شناخت مشتریان و عرضه کنندگان در خصوص اقدامات مشترک می باشد.

در سوال دوم پژوهش حاضر بیان شد که مقوله های محوری مؤثر بر چابک سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت ها کدام اند؟ از این رو، در پاسخ به سوال فوق می توان گفت که مهم ترین عوامل مقوله های محوری مؤثر بر چابک سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت ها شامل: عوامل سازمانی چابک سازی مالی شامل (ساختار سازمانی منعطف، تفویض اختیار به کارکنان، روزآمدی مهارت کارکنان، آموزش مؤثر کارکنان، انعطاف پذیری، پاسخگویی سریع، سرعت تحویل و انجام مأموریت، فرهنگ تغیر، افزایش اعتماد و صداقت، کیفیت و کمیت محصول و خدمات، حذف فعالیت های فاقد ارزش افزوده، یکپارچگی و پیچیدگی کم کلیه اقدامات بنگاه و سازمان یادگیرنده)؛ عوامل انسانی چابک سازی مالی (شامل قابلیت مدیریت ریسک، مشارکت کارکنان، کارکنان توانمند و چندمهارته و تیم های میان کارکردیو کارکنان انعطاف پذیر)؛ عوامل فناورانه چابک سازی مالی (شامل دسترسی و دانش کارکنان به اطلاعات، زیرساخت فناوری اطلاعات، سازگاری و پذیرش فناوری، سازمان مجازی (کارگزاری ها)، به اشتراک گذاشتن اطلاعات شفاف، یکپارچه سازی منابع و اقدامات و فناوری مناسب) می باشد.



(منبع: یافته های پژوهشگران)

شکل ۱- الگوی چابک سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت ها.

Figure 1- Financial agility model of corporate supply chain process.



در سوال سوم پژوهش حاضر بیان شد که عوامل مداخله‌گر مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام اند؟ از این‌رو، در پاسخ به سوال سوم پژوهش حاضر می‌توان بیان نمود که مهمترین مؤلفه‌های (عوامل) مداخله‌گر مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها، شامل: میزان سن کارکنان بنگاه، تنوع جنسیت کارکنان بنگاه، سطح سواد (تحصیلات) کارکنان بنگاه، تجربه فعالیت کارکنان بنگاه، رشته تحصیلی کارکنان بنگاه، میزان رضایت شغلی کارکنان بنگاه، میزان حمایت مدیران از ایده‌های نو و خلاق کارکنان در بخش‌های مختلف چرخه عملیات بنگاه، میزان بین‌دانش کارکنان (خلق، توسعه، توزیع و تسهیم) می‌باشد.

در سوال چهارم پژوهش حاضر بیان شد که عوامل زمینه‌ای (بسترهای کلیدی) مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام اند؟ از این‌رو، در پاسخ به سوال چهارم پژوهش حاضر می‌توان بیان نمود که مهم‌ترین مؤلفه‌های (عوامل) زمینه‌ای (بسترهای کلیدی) مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها شامل: محیط حمایتی، قابلیت‌های اینترنت، نحوه ارائه خدمات رسانی به مشتریان، رویدادهای شاخص، توانایی شبکه‌سازی، رونق داشتن بازار و ضریب نرخ مالیات می‌باشد.

در سوال پنجم پژوهش حاضر بیان شد که راهبردهای کلیدی مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام اند؟ از این‌رو، در پاسخ به سوال پنجم پژوهش حاضر می‌توان بیان نمود که مهم‌ترین مؤلفه‌های (عوامل) راهبردهای کلیدی مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها، شامل: تخصیص سریع منابع، متحرک‌سازی قابلیت‌های اساسی، چشم‌انداز راهبردی، انطلاق با تغییر، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، مدیریت تغییر، برنامه‌ریزی راهبردی، کارایی و اثر بخشی عملیاتی، بهبود کیفیت، راهبرد منعطف، روابط نزدیک با مشتریان و تأمین‌کنندگان، تصمیم‌گیری غیر متمرکز و گروهی، بهبود مستمر (بازار سهام)، ارائه ارزش به مشتری (سرمایه‌گذاران)، رضایت مشتریان (سرمایه‌گذاران) و سبک رهبری می‌باشد.

در سوال ششم پژوهش حاضر بیان شد که پیامدهای مورد انتظار مؤثر بر چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها کدام است؟ از این‌رو، در پاسخ به سوال ششم پژوهش حاضر می‌توان بیان نمود که مهم‌ترین مؤلفه‌های (عوامل) مربوط به نتایج چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها شامل: پاسخ‌گویی به موقع به استفاده‌کنندگان درون و برون سازمانی اطلاعات مالی، ایجاد شایستگی محوری در فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها، انعطاف‌پذیری فعالیت‌های مالی در فرآیند زنجیره تأمین شرکت‌ها، بهبود سرعت پاسخگویی به مشتریان و سایر ذینفان شرکت، خلق مدیریت پایگاه داده دانش مالی و ایجاد فرهنگ توانمندسازی کارکنان نسبت به همسوسازی عملیات بنگاه با شرایط بازار (محیط) می‌باشد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

چابکی رویکرد مهمی بود که در سال ۲۰۰۶ میلادی توسط محققان دانشگاه لی‌های ایالات متحده آمریکا مطرح گردید. به دلیل افزایش رقابت و تبدیل شدن کسب‌وکارهای بزرگ به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط این ایده؛ یعنی چابکی را در کسب‌وکار و تولید مطرح ساخت. رویکردی که به نوبه خود امکان ایجاد تحولات را در عرصه‌های پیش روی مدیریت و مختلف در اقتصاد فراهم آورد. در واقع، رویکرد چابکی کسب‌وکارها باعث گردید که به مراتب زنجیره تأمین (تهیه مواد خام، تولید، توزیع، مصرف و پشتیبانی و بازخوردگیری تولید و عملیات)، از شکل سنتی به شکل پیشرفته تبدیل گردد. البته، در این مسیر هدف و رسالت، فلسفه وجودی، نوع و ماهیت فعالیت بنگاه‌ها هم تا حدی تعیین‌کننده بود. به بیان دیگر، نگاه‌هایی که به صورت هدفمند به موضوع کسب‌وکار و بازار هدف خود می‌نگریستند این رویکرد به صورت نسبی برای آن‌ها اهمیت بیشتری داشت، در مقابل هم نگاه‌هایی که توجهی چندانی به این رویکرد نداشتند، چه بسا تداوم فعالیت‌های آن‌ها در محیط کسب‌وکار دچار چالش جدی گردید. شرکت‌هایی که هم‌اکنون به دلیل ورود شرکت‌های کوچک و متوسط به بازارهای هدف بین‌المللی سهم بازار خود را از دست دادند. بنابراین، به نظر می‌رسد که بررسی و توجه کافی به زنجیره تأمین شرکت‌ها در محیط کسب‌وکار نسبت به گذشته نه چندان دور، امری ضروری به نظر می‌رسد. زیرا امکان دارد که بی‌توجهی چه سهوی و یا غیر سهوی، پیامدهای مورد انتظار شرکت‌ها که از جمله مهم‌ترین آن‌ها نظیر سودآوری، سهم بازار بیشتر و ایجاد ثروت و آورده بیشتر برای سهامدارانش بوده را تحت شعاع قرار بدهد و حتی دچار چالش جدی نماید. اما آن‌چه اهمیت این موضوع را بیشتر می‌کند چابک‌سازی مالی فرآیند زنجیره تأمین است. زیرا برخورداری زنجیره تأمین مالی از یک چرخه مالی منسجم و هدفمند و چابک باعث می‌شود که عملیات لازم و کافی به منظور مدیریت مصارف و منابع مالی در این زنجیره با سرعت، دقت و هزینه کمتر و کیفیت و سرعت پردازش اطلاعات به همراه پاسخگویی به ذینفعان به میزان بالاتری انجام گیرد. همچنین، چابکی مالی موجب ایجاد مزیت رقابتی و حفظ جایگاه شرکت در بازار هدف



از طریق نیل به نتایج مورد انتظار آن خواهد شد. از این رو، با توجه به اهمیت موضوع چابکی در فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها در کسب و کارها و شرایط گوناگون اقتصادی در این پژوهش به موضوع طراحی الگوی چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین با رویکرد نظریه برخاسته از داده‌ها پرداخته شد. در این راستا، در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش، ابتدا، براساس رویکرد داده بنیاد ابعاد و مولفه‌های الگوی مفهومی چابک‌سازی مالی از طریق مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و افراد متخصص در حوزه صنعت، استخراج و تدوین گردید. به صورتی که مقوله محوری، چابک‌سازی مالی در سه بُعد و همچنین شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و نتایج، تدوین و الگوی نهایی ارائه گردید. سپس با روش تحلیل دلفی، پرسشنامه طراحی الگوی اولیه توسط خبرگان اصلاح، تایید و الگوی چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها ارائه گردید. بنابراین، با توجه به نتایج حاصل، مقوله‌های اصلی الگوی تدوین شده، شامل عوامل درون سازمانی، فناوریانه و انسانی چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها بوده است. از این رو، براساس الگوی مفهومی حاصل شده می‌توان انتظار داشت که کاربردی آن الگوی تدوین شده به پیامدهای مورد انتظار که همان چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین بوده دست یافت.

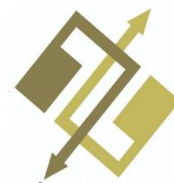
همچنین، پیشنهاد می‌شود که شرکت‌ها به منظور ایجاد سرعت، دقت و هزینه کمتر، و کیفیت و سرعت پردازش اطلاعات بالاتر به همراه پاسخگویی بیشتر به ذینفعان خود از نقش و جایگاه الگوی تدوین شده به منظور دستیابی به پیامدهای مورد انتظار که همان چابک‌سازی مالی فرایند زنجیره تأمین بوده، دست پیدا کنند. البته، پیشنهاد می‌شود که نقش هرکدام از عوامل علی، مقوله‌های محوری، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه‌ای (بسترهای کلیدی) و راهبردهای کلیدی در راستا نیل به آن پیامدهای مورد انتظار مؤثر مد نظر قرار گیرد.

علاوه بر این، در این بخش به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی به موضوعات زیر پردازند:

- طراحی و تبیین نقش ایجاد زنجیره‌های بلوکی زنجیره تأمین بر عملکرد مالی فرایند تولید و عملیات بنگاههای اقتصادی پرداخته شود.
- بررسی و تبیین اثرات فناوری‌های مالی نوین مبتنی بر هوش مصنوعی و نظام‌های خبره بر چابکی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها پرداخته شود و همچنین نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مورد مقایسه قرار گیرد.
- به بررسی و تبیین نقش و جایگاه تغییر قوانین و مقررات بازارهای مالی بر چابکی مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌ها پرداخته شود و همچنین نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر مورد مقایسه قرار گیرد.

منابع

- Allen, L., & Saunders, A. (2002). *A survey of cyclical effects in credit risk measurement models (May 2002)*. NYU Working Paper No. S-FI-02-05. <https://ssrn.com/abstract=1298821>
- Altschuller, S., Gelb, D. S., & Henry, T. F. (2010). IT as a resource for competitive agility: an analysis of firm performance during industry turbulence. *Journal of international technology and information management*, 19(1), 1.
- Bakhsh Chenari, A. R., Eydi, H., & Abbasi, H. (2015). Analyze relationship between organizational forgetting and agility with organizational performance (case study: Yoths and Sport Ministry). *Organizational behavior management studies in sports*, 5(1), 11-20. (In Persian). http://fmss.journals.pnu.ac.ir/article_1310.html?lang=en
- Banker, R. D., Chang, H., Janakiraman, S. N., & Konstans, C. (2004). A balanced scorecard analysis of performance metrics. *European journal of operational research*, 154(2), 423-436.
- Beamon, B. M. (1998). Supply chain design and analysis: Models and methods. *International journal of production economics*, 55(3), 281-294.
- Beugré, C. D., & Das, N. (2013). Limited capital and new venture creation in emerging economies: A model of crowd-capitalism. *SAM advanced management journal*, 78(3). <https://www.econbiz.de/Record/limited-capital-and-new-venture-creation-in-emerging-economies-a-model-of-crowd-capitalism-beugr%C3%A9-constant/10010210088>
- Bhagwat, R., & Sharma, M. K. (2007). Performance measurement of supply chain management: A balanced scorecard approach. *Computers & industrial engineering*, 53(1), 43-62. <https://doi.org/10.1016/j.cie.2007.04.001>
- Bigliardi, B., & Bottani, E. (2010). Performance measurement in the food supply chain: a balanced scorecard approach. *Facilities*, 28(5/6), 249-260. <https://doi.org/10.1108/02632771011031493>
- Bui, T. (2020). Supply chain finance, financial development and profitability of real estate firms in Vietnam. *Uncertain supply chain management*, 8(1), 37-42.
- Burtch, G., Ghose, A., & Wattal, S. (2013). An empirical examination of the antecedents and consequences of contribution patterns in crowd-funded markets. *Information systems research*, 24(3), 499-519.
- Cai, S., Jun, M., & Yang, Z. (2010). Implementing supply chain information integration in China: The role of institutional forces and trust. *Journal of operations management*, 28(3), 257-268.
- Creswell, J. W. (2002). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative* (pp. 146-166). Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Danaeifard, H., & Emami, S. M. (2007). Qualitative research strategies: a reflection on data processing theory. *Strategic management thought (management thought)*, 1 (2), 69-97. (In Persian). <https://civilica.com/doc/834746/>
- Dove, R., (2001). *Response ability: the language, structure, and culture of the agile enterprise?* Wiley, Hoboken, NJ.



- Fathi Hafshjani, F., Bashiri, M., & Karbasian, M. (2010). Study of effects of quality management key success factors on quality and business performance of a supply chain: an empirical analysis of the Iranian Firms. *Industrial management journal*, 2 (2), 103-226. (In Persian). https://imj.ut.ac.ir/article_22415.html
- Fathian, M., & Sheikh, A. (2009). Presenting a model for agility development in organizations. *Journal of Industrial engineering and sharif management*, 2, 127-138. (In Persian). <https://elmnnet.ir/article/966161-91121%D8%A7%D8%B1%D8%A7%D8%A6%D9%87-%DB%8C-%D9%85%D8%AF%D9%84%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87-%DB%8C-%DA%86%D8%A7%D8%A8%D9%83%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86-%D9%87%D8%A7>
- Flint, D. J. (1999). *Change in customers' desired value: A grounded theory study of its nature and processes based on business customers' lived experiences in the United States automobile industry* (Doctoral Dissertation, University of Tennessee). Retrieved from <https://www.elibrary.ru/item.asp?id=6673770>
- Glaser, B. G. (1978). *Theoretical sensitivity: advances in the methodology of grounded theory*. Mill Valley, California: The Sociology Press.
- Goldman, S. L., Nagel, R. N., & Preiss, K. (1995). *Agile competitors and virtual organizations: strategies for enriching the customer* (Vol. 8). New York: Van Nostrand Reinhold.
- Gunasekaran, A., Patel, C. & McGaughey, R. E. (2004). A framework for supply chain performance measurement. *International journal of production economics*, 87(3), 333-347.
- Gunasekaran, A., Patel, C. & Tirtiroglu, E. (2000). Performance metrics in a supply chain environment," *International journal of operations and production management*, 21(1/2), 74-87.
- Jalalvand, F., Teimoury, E., Makui, A., Aryanezhad, M. B., & Jolai, F. (2011). A method to compare supply chains of an industry. *Supply chain management: an international journal*, 16(2), 82-97.
- Javan Kiani, A., & Mohammad Jafari, M. (2015). Design of general supply chain performance index (osce) of a production workshop based on supply chain operations reference model (scor) and hierarchical analysis model. *Second international conference on industrial management and engineering*. (In Persian). <https://civilica.com/doc/513357/>
- Karimi Dastjerdi, D., Akbari Jokar, M. R., & Feyzabadi, J. (2009). Develop and explain a configuration for supply chain classification using a resource-based approach in the automotive industry. *Industrial management journal*, 1 (2), 121-138. (In Persian). https://journals.ut.ac.ir/article_20366.html
- Kidd, P. (2000). *Two definitions of agility*. Retrieved June 30, 2020, from <https://www.cheshirehenbury.com/agility/two-definitions-of-agility.html>
- Lee, J. (2001). *A grounded theory: integration and internalization in ERP adoption and use* (Doctoral Dissertation, University of Nebraska – Lincoln). Retrieved from <https://digitalcommons.unl.edu/dissertations/AAI3016318/>
- Loh, S. W. (2008). *Supply chain performance and financial success of selected companies on bursa Malaysia* (Doctoral dissertation, University of Malaya). Retrieved from www.dspace.fsktm.um.edu.my.com
- Lu, Y., & Ramamurthy, K. (2011). Understanding the link between information technology capability and organizational agility: An empirical examination. *MIS quarterly*, 931-954.
- Lyytinen, K., & Rose, G. M. (2006). Information system development agility as organizational learning. *European journal of information systems*, 15(2), 183-199.
- Maboudi, M., Javanshir, H., Rashidi, A., & Valipour, P. (2009). Study of the effect of supply chain management on customer satisfaction in the textile industry. *Journal of textile science and technology*, 5(1), 23-13. (In Persian). <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=127971>
- Maskell, B. (2001). The age of agile manufacturing. *Supply chain management: an international journal*, 6(1), 5-11. <https://doi.org/10.1108/13598540110380868>
- Mathiassen, L., & Pries-Heje, J. (2006). Business agility and diffusion of information technology. *European journal of information system* 15(2), 116-119. <https://doi.org/10.1057/palgrave.ejis.3000610>
- Miles, M., & Huberman, A. (2002). *Qualitative data analysis: an expanded sourcebook, 2nd edition*. SAGE Publications.
- Mohammadi Qomi, S. S., Hekmat, S., & Eslami, Z. (2016). The progress of financial technologies and its impact on the future of the banking industry: strategic analysis. *Ravand quarterly*, 23(73), 122-91. (In Persian). <https://www.magiran.com/paper/1603335>
- Molavi, B., Esmailian, M., & Ansari, R. (2013). Proposing a new approach for prioritization of organizational agility strategies using FTOPSIS and fuzzy inference system. *Industrial management journal*, 5 (1), 138-123. (In Persian). https://imj.ut.ac.ir/article_35686.html
- Otto, A., & Kotzab, H. (2003). Does supply chain management really pay? Six perspectives to measure the performance of managing a supply chain. *European journal of operational research*, 144(2), 306-320.
- Overby, E., Bharadwaj, A., & Sambamurthy, V. (2006). Enterprise agility and the enabling role of information technology. *European journal of information systems*, 15, 120-131.
- Pouya, A., & Khobian, M. (2014). Designing and explaining a model based on multivariate diagnostic analysis to predict corporate agility. *Industrial management perspective*, 9(14), 9-25. (In Persian). <https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1042467.html>
- Ravichandran, T. (2018). Exploring the relationships between IT competence, innovation capacity and organizational agility. *The journal of strategic information systems*, 27(1), 22-42.
- Rezaei Dolatabadi, H., Maher Azin, S. (2013). Analyzing the role of management accounting in creating a competitive advantage for organizations in changing and dynamic environments. *Journal of accounting, accountability and society interests*, 3 (1), 89-99. (In Persian). https://jaacsi.alzahra.ac.ir/article_423.html?lang=fa
- Roberts, N., & Grover, V. (2012). Investigating firm's customer agility and firm performance: The importance of aligning sense and respond capabilities. *Journal of business research*, 65(5), 579-585.
- Ross, J. W., & Beath, C. M. (2002). Beyond the business case: new approaches to IT investment. (Executive Briefings). *MIT sloan management review*, 43(2), 22-23.
- Saberi Zanuri Asl, R., & Hassanzadeh, T. (2014). Evaluation of urban management supply chain performance based on the studied SCOR model: System 137 of one of the municipal areas of Tehran. Second national conference on applied research in civil engineering, architecture and urban management. (In Persian). <https://civilica.com/doc/382746/>
- Selden, L. (2005). On grounded theory-with some malice. *Journal of documentation*, 61(1), 114-129.



- Shahaii, B. (2013). The need for agility in the management of the organization. *Today textile magazine*, 138, 53-50. (In Persian). <https://civilica.com/doc/374953>
- Sharifi, H., & Zhang, Z. (2001). Agile manufacturing in practice-application of a methodology. *International journal of operations & production management*, 21(5/6), 772-794. <https://doi.org/10.1108/01443570110390462>
- Soni, G. & Kodali, R. (2010). Internal benchmarking for assessment of supply chain performance. *Benchmarking: an international journal*, 17 (1), 44-76.
- Stewart, G. (1997). Supply-chain operations reference model (SCOR): the first cross-industry framework for integrated supply-chain management. *Logistics information management*, 10(2), 2-62. <https://doi.org/10.1108/09576059710815716>
- Strauss, A. L. (1987). *Qualitative analysis for social scientists*. Cambridge university press.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
- Tallon, P. P., & Pinsonneault, A. (2011). Competing perspectives on the link between strategic information technology alignment and organizational agility: insights from a mediation model. *MIS quarterly*, 463-486.
- Tapscott, D., Ticoll, D., & Lowy, A. (2000). Digital capital: Harnessing the power of business webs. *Ubiquity*. <https://doi.org/10.1145/336228.336231>
- Tsai, L. C., Zhang, R., & Zhao, C. (2020). Can international supply chain induce a return premium? Evidence from US leading high-technology firms and Taiwan stock market. *Finance research letters*, 32, 101088. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2018.12.036>
- Van Oosterhout, M., Waarts, E., & van Hillegersberg, J. (2006). Change factors requiring agility and implications for IT. *European journal of information systems*, 15(2), 132-145.
- Vernadat, F. B. (1999). Research agenda for agile manufacturing. *International journal of agile management systems*, 1(1), 37- 40. <https://doi.org/10.1108/14654659910266709>
- Wagner, S. M., & Kemmerling, R. (2014). Supply chain management executives in corporate upper echelons. *Journal of purchasing and supply management*, 20(3), 156-166.
- Wahdan, M. A., & Emam, M. A. (2017). The impact of supply chain management on financial performance and responsibility accounting: Agribusiness case from Egypt. *Accounting and finance research*, 6(2), 136-149.
- Weill, P., Subramani, M., & Broadbent, M. (2002). *IT infrastructure for strategic agility*. Retrieved from <https://ssrn.com/abstract=317307>
- Wheeler, B. C. (2002). NEBIC: A dynamic capabilities theory for assessing net-enablement. *Information systems research*, 13(2), 125-146.
- Wisner, P. (2011). Linking supply chain performance to a firm's financial performance. *Supply chain management review*.